

بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی با نگاهی به آموزه‌های قرآنی

احمد احمدی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۲

راشین ضیا**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۸

چکیده

حکم اصلی و اولی قتل عمد، قصاص است. یکی از استثنائات این اصل کلی، قتل فرزند توسط پدر است این اندیشه بعد از انقلاب اسلامی به قوانین جزایی راه یافت. از دیدگاه اکثر فقهای اسلامی، حکم مردی که فرزند خود را به قتل برساند، با یک درجه تخفیف، از قصاص نفس - که حکم کلی در قتل عمدی است در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده است - به پرداخت دیه و تعزیر تقلیل یافته است. برای این حکم در فقه اسلامی دلایل متعددی ذکر گردیده و به روایاتی نیز استناد شده است که از نظر اصولی از اعتبار زیادی برخوردارند. دیدگاه فقهای اسلامی در این مورد متفاوت است؛ عده‌ای از فقها که اکثریت فقهای امامه را شامل می‌شوند، با حکم معافیت پدر موافق بوده، و مبنای موافقت خود را دو حدیث امامان معصوم (ع) و البته بعضاً دلایل عقلی برای حکم بیان کرده‌اند. از سوی دیگر مخالفان نیز با استناد به حکم کلی قصاص در قتل عمد، پدر و جد پدری را مصداقی از حکم کلی می‌دانند و به قصاص ایشان حکم می‌دهند.

کلیدواژگان: قرآن، فقه، حقوق، فرزندکشی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* chako1395@yahoo.com

* استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد. Rashinziya1@gmail.com

نویسنده مسئول: راشین ضیا

مقدمه

قتل شدیدترین جنایتی است که می‌تواند بر جامعه انسانی وارد شود، چنانکه قرآن کریم در سوره مائده آیه ۳۲ کشتن انسانی را مانند کشتن همه مردم دانسته است. در این میان فرزندکشی بر بزرگی این جرم افزوده و بیش از پیش نظم و امنیت جامعه را دچار اختلال می‌کند (خاکی، ۱۳۹۱: ۱). یکی از اندیشه‌های فقهی که بعد از انقلاب اسلامی راه خود را به قوانین باز نمود، حکم کشتن فرزند توسط پدر و جد پدری است. از دیدگاه اکثریت فقهای اسلامی حکم مردی که فرزند خود را به قتل برساند، با یک درجه تخفیف از قصاص نفس - که حکم کلی در قتل عمدی است و در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده است - به پرداخت دیه و تعزیر تقلیل یافته است بر این حکم در فقه اسلامی دلایل متعددی ذکر شده است و روایات چندی نیز به عنوان مبانی این حکم مورد استناد قرار گرفته‌اند که البته از اعتبار بسیاری از نظر اصولی برخوردارند (کارگر، ۱۳۸۴: ۶). یکی از موانع تحقق و صدور حکم قصاص نفس در حقوق کیفری ایران، ابوت قاتل نسبت به مقتول است. قتل فرزند توسط پدر یا جد پدری، در جوامع امروزی جدای از مشکلاتی که به وجود می‌آورد در سال‌های اخیر روند صعودی پیدا کرده است و پدر یا جد پدری در اثبات دلیل قتل عمد فرزند خود معاف بوده و همین اندازه که برای دادگاه رابطه ابوت قاتل نسبت به مقتول احراز گردد، قاضی مکلف به صدور رأی مبنی بر سقوط قصاص نفس می‌باشد. البته پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر قاتل از نظر جنبه عمومی جرم به قوت خود باقی است. یکی از قواعد مسلم فقه شیعه که مورد قبول جمهور فقهای اهل سنت نیز می‌باشد عدم قصاص پدر و جد پدری در صورت قتل فرزند است که مستند به منابع فقهی بوده و در قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از موانع قصاص آورده شده، و در واقع مانعی در ثبوت قصاص نفس است. مجازات پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند دیه و تعزیر می‌باشد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد». همانگونه که ملاحظه می‌شود در این ماده به بیان حکم پدر و جد پدری فرزندش را به قتل رسانده پرداخته شده است. ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات - مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد و یا

شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید». بنابراین مجازات فرزندکشی بنا بر قواعد فوق تعزیر بدل از قصاص نفس و پرداخت دیه به سایر اولیاء دم است. کشتن یک انسان از گناهان بزرگی است که در همه جوامع و ادیان سرزنش شده ولی با تمام قباحتی که عرف و شرع به آن نسبت می‌دهد، امروزه یکی از معضلات بزرگی است که خواه و ناخواه جامعه ما گرفتار آن می‌باشد. از زشت‌ترین قتل‌ها می‌توان به قتل‌های خانوادگی اشاره نمود که غالباً در آن افراد با روابط خویشاوندی نسبی یا سببی نزدیک، اقدام به قتل یکدیگر می‌نمایند و از منحوس‌ترین این قتل‌ها فرزندکشی است که توسط پدر یا مادر و یا با مشارکت هر دو به وقوع می‌پیوندد (پورحسینی، ۱۳۹۴: ۲-۳).

اهمیت و ضرورت

ممکن است میلیون‌ها ایرانی ندانند که بر اساس قوانین جزایی کشورشان، اگر بزرگ‌ترین حامی فرزند یعنی «پدر» مرتکب بدترین جرم یعنی «قتل عمد» شود از قصاص معاف و در نهایت به حبسی کوتاه مدت و تنها به پرداخت «دیه» محکوم می‌شود. و این در حالی است که به استناد آمارهای منتشره از سوی رسانه‌ها، فرزندکشی توسط پدران از سال ۱۳۹۴ تا کنون افزایش محسوسی یافته است اگرچه فرزندکشی از نظر مجنی‌علیه اطلاق داشته و بدین واسطه نمی‌توان تنها کشتن کودکان را مشمول این عنوان دانست. اما با توجه به اینکه کودکان از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بوده و وابسته به والدینشان محسوب می‌گردند؛ بر این اساس مصداق شایع فرزندکشی، کشتن کودکان است و همین امر نیز موجب اهمیت برجسته بودن موضوع می‌شود.

پیشینه پژوهش

صادق پور و همکاران در ۱۳۹۶ پژوهشی تحت عنوان «تأملی در کیفر جرم فرزندکشی و اعتیاد به آن با تکیه بر ظرفیت‌های فقه امامیه» انجام داده‌اند. توافق فقیهان

اسلامی بر اشتراط انتفای ابوت در ثبوت قصاص انکارناشدنی است با وجود این در زمینه مسائل مرتبط با این شرط اختلافاتی هست. یکی از مباحث مهم که در این میان کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، تکرار فرزندکشی و اعتیاد به آن است. چه بسا با استناد به فلسفه تشریح قصاص یا موارد مشابه در فقه، همچون تحقق اعتیاد در قتل عمد، بتوان حکم قصاص پدر را در فرض تکرار یا اعتیاد نتیجه گرفت. همچنین، ادله لزوم قتل کسانی که بیش از سه بار مرتکب گناهان کبیر شده‌اند یا ادله افساد فی الارض نیز می‌توانند در این راستا مورد استناد قرار گیرند. در این نوشتار، با تکیه بر اطلاق و عمومیت ادله معافیت پدر از قصاص (با وجود جواز قتل پدر در برخی از صور فوق) ثابت شده است تمامی این وجوه برای اثبات قصاص پدر کافی‌اند و اگر هم در جواز قتل او را ثابت می‌کنند، نه به عنوان قصاص، بلکه با عنوان مجرمانه دیگری مانند «اعتیاد به قتل» قتل او را تجویز می‌نمایند.

مقدسی‌نیا در ۱۳۹۶ پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوق فرزندکشی» انجام داده است. پدر در قتل فرزند قصاص نمی‌شود بلکه قصاص تبدیل به دیه یا تعزیر می‌شود شیوه و انگیزه قتل نیز تأثیری در این حکم ندارد. دلیل عدم قصاص پدر از منظر فقه‌های امامیه روایات اجماع و شهرت می‌باشد البته این حکم در بین فقه‌های عامه مورد اختلاف است گروهی موافق گروهی مخالف قاتل به تفصیل شده‌اند، در خصوص الحاق مادر و اجداد پدری و مادری فقه‌های عامه چون ملاک حکم را ولادت می‌دانند به مقتضای معنای والد مادر و اجداد پدری و مادری را نیز مشمول حکم دانسته‌اند ولی فقه‌های امامیه به مورد نص اکتفا کرده‌اند البته بنا به صدق عرفی و اجماع فقها جد پدری نیز در حکم پدر است. در مورد قصاص مادر نیز فقه‌های جدید احتیاط می‌کنند.

دهقان نژاد و بستان نجفی در ۱۳۹۶ پژوهشی تحت عنوان «حقوق و وظایف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن» انجام داده است. این مقاله با رویکرد تفسیر موضوعی و تحلیل مضامین آیات قرآن با استفاده از آراء مفسران به ویژه شیعه، به بررسی آن دسته از حقوق و تکالیف خانوادگی که به نقش‌های همسری و مادری زن مرتبط می‌شوند و متضمن ثبوت وظیفه‌ای بر عهده طرف مقابل (شوهر و فرزندان) هستند، می‌پردازد. یافته‌ای تحقیق نشان داده است که قرآن کریم حقوق عاطفی، حق جنسی و حقوق مالی

که شامل حق مهریه، حق نفقه و حق متعه (نحله) طلاق است را از مهم‌ترین حقوق زن به عنوان همسر به شمار آورده و در مقابل، حمایت عاطفی، تمکین، امانتداری و نگه داشتن عده را تکالیف اختصاصی وی در قابل شوهر محسوب کرده است. همچنین حق اطاعت، حق حمایت، حق احترام، و حق حضانت و شیردهی از جمله حقوق زن به عنوان مادر وظیفه حفظ مراقبت، تعلیم و تربیت، حمایت و نظارت از مهم‌ترین وظایف مادر در قابل فرزند از دیدگاه قرآن کریم هستند.

موسوی فرد و همکاران در ۱۳۹۵ پژوهشی تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی از دیدگاه فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی» انجام داده‌اند. جرم فرزندکشی یکی از جرایمی است که گاه در مواردی نه چندان معمول والدین به آن مرتکب می‌گردند. در خصوص مجازات این جرم دانشیان فقه بر قصاص نشدن پدر مرتکب جرم فرزندکشی اتفاق دارند. اینکه آیا مادر مرتکب جرم فرزندکشی نیز از مجازات قصاص معاف است و یا اینکه تفاوت جنسی پدر و مادر در مجازات جرم فرزندکشی نقش آفرین می‌باشد و در نتیجه باید مادر را به قصاص پادافراه داد پرسش اصلی پژوهش ارائه شده در این مقاله را سامان می‌دهد که موضوع و متغیرهای پژوهش مورد سخن را نیز با خود همراه دارد. در این مطالعه که جز مطالعات تطبیقی بین فقهای شیعه و اسنادی است، آرا و اقوال فقها و حقوقدانان و مواد قانونی مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پایه و اساس روش کار قرار گرفت. در هر بحث متون مربوط به آن، از جهت سند و دلالت مد نظر قرار می‌گیرد.

در نظام جزایی ایران به تبع سیاست جنایی اسلام، پدر و جد پدری در قتل عمدی فرزند از معافیت در قصاص برخوردارند. افزایش آمار فرزندکشی در سیستم قضایی ایران و سایر کشورهای اسلامی که مجری این دیدگاه‌اند، نشان داده که تعزیر صرف نتوانسته است در برخورد با این عمل مجرمانه بازدارنده باشد. اندکی تأمل در ریشه فقهی این معافیت، نشان می‌دهد که استثنای مذکور مطلق نبوده و در موارد خاص مانند قصد منجز قتل و یا قتل با سبق تصمیم می‌توان پدر را قصاص و یا در موارد فرزندکشی‌های حدودی یا حق الهی، مانند قتل فرزند در حال محاربه و... وی را مستحق کیفر اعدام دانست.

شریفی در ۱۳۹۵ پژوهشی تحت عنوان «مبانی فقهی قتل فرزند و ضمانت اجرای آن» انجام داده است. یکی از شرایط قصاص، انتفای ابوت است که این مسأله در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی برگرفته از فقه امامیه، منعکس شده است بر این اساس پدر در قتل فرزند قصاص نمی‌شود، بلکه قصاص به دیه و تعزیر تبدیل می‌گردد. شیوه و انگیزه قتل نیز تأثیری در این حکم ندارد. دلیل قصاص نشدن پدر از منظر فقهای امامیه، روایات اجماع و شهرت است. البته این حکم در بین فقهای عامه چون ملاک حکم را ولادت می‌دانند، به مقتضای معنای والد، مادر و اجداد پدری و مادری را نیز مشمول حکم دانسته‌اند. ولی فقهای امامیه به مورد نص اکتفا کرده‌اند البته بنا به صدق عرفی و اجماع فقها، جد پدری نیز در حکم پدر است. در مورد قصاص مادر نیز فقهای جدید احتیاط می‌کنند.

خاکی در ۱۳۹۱ پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی قتل عمدی طفل متولد از زنا توسط والدین طبیعی در فقه شیعه و عامه» انجام داده است. یکی از شرایط وجوب قصاص در فقه شیعه نبودن رابطه پدری بین قاتل و مقتول است. اکثر علمای اهل سنت علاوه بر پدر، مادر را نیز از قصاص مبرا می‌دانند. هدف از نگارش این پایان‌نامه بررسی فقهی و حقوقی مجازات زن و مرد مسلمانی است که در اثر ارتباط نامشروع آن‌ها کودکی متولد و یکی از والدین طبیعی (زانی یا زانیه مرتکب قتل عمدی او شود. با مراجعه به نظرات فقها و تجزیه و تحلیل آن‌ها مشخص می‌شود که در مورد مجازات پدر طبیعی که فرزند نامشروع خود را عمداً به قتل رسانده است در میان فقهای شیعه دو نظر وجود دارد که عقیده قصاص صحیح به نظر می‌رسد چراکه وجود رابطه پدری شرعی تخفیفی است که از طرف شارع مقدس وضع شده است، بنابراین برای برخورداری از آن باید مقتول از رابطه شرعی به وجود آمده باشد. در خصوص کیفر مادر طبیعی با توجه به روایتی که مشهور به محمد بن قیس است، اگر زانیه فرزند خود را مخفیانه و در اندک زمانی از تولد طفل به قتل رسانده باشد تعزیر و در غیر این صورت قصاص می‌شود.

در میان اهل سنت نیز حکم به قصاص پدر طبیعی مشهورتر است که این امر از اعتقاد علمای سنی مبنی بر عدم الحاق ولد الزنا به زانی نشأت می‌گیرد و در مورد مادر

طبیعی با توجه به الحاق کودک متولد از زنا به وی و عدم قصاص والد به خاطر ولد، زانیه قصاص نمی‌شود. جبار گلباغی ماسوله در ۱۳۸۸ پژوهشی تحت عنوان «بررسی فقهی نقش تفاوت جنسیت پدر و مادر در مجازات جرم فرزندکشی در فقه شیعه» انجام داده است. فرزندکشی، یکی از جرایمی است که گاه در مواردی نه چندان معمول، والدین به آن مرتکب می‌گردند. در خصوص مجازات این جرم، دانشیان فقه، بر قصاص نشدن پدر مرتکب جرم فرزندکشی اتفاق دارند. اینکه آیا مادر مرتکب جرم فرزندکشی نیز از مجازات قصاص معاف است و یا اینکه تفاوت جنسیت پدر و مادر، در مجازات جرم فرزندکشی نقش آفرین می‌باشد و در نتیجه باید مادر را به قصاص، پادافراه داد، پرسش اصلی پژوهش ارائه شده در این مقاله را سامان می‌دهد که موضوع و متغیرهای پژوهش مورد سخن را نیز با خود همراه دارد. نوشتار حاضر در پژوهشی کتابخانه‌ای که به روش توصیفی مستند می‌باشد، با روی آوردن به نوشته‌های فقهی مکاتب فقهی شیعه، بر این می‌کوشد تا عمده‌ترین دیدگاه‌ها را در نزد دانشیان فقه شیعه رصد نماید؛ دیدگاه منسوب به مشهور که به استناد پاره‌ای از آیات و روایات، به اجرای قصاص بر مادر مرتکب جرم فرزندکشی گراییده‌اند، و دیدگاه دسته‌ای دیگر از دانشیان فقه شیعه که باور خویش را بر یکسانی پدر و مادر در مجازات جرم فرزندکشی استوار ساخته‌اند و با استناد به پاره‌ای از آیات و روایات و مطابق برخی از اصول و قواعد فقهی، مادر مرتکب جرم فرزندکشی را از مجازات قصاص معاف می‌دانند.

نوشهر در ۱۳۸۷ پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی با نگاهی به نظرات اهل سنت» انجام داده است. هدف پژوهش بررسی فقهی و حقوقی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی با نگاهی به نظرات اهل سنت است و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است نتایج نشان می‌دهند که پدر در صورت قتل فرزندخوانده و فرزند رضایی قصاص می‌شود اما در قتل ولد شبهه ولد زنا قصاص نمی‌شود. شراکت با پدر در قتل فرزند مانع قصاص شریک نخواهد شد و همچنین امر پدر به قتل فرزند موجب معافیت مباشر قتل از قصاص نیست و فقهای عامه چون ملاک حکم قصاص را ولادت می‌دانند به مقتضای معنای والد مادر و اجداد پدری و مادری را نیز مشمول این حکم دانسته‌اند ولی امامیه اکتفا به مورد نص کرده‌اند و جد پدری را به

حکم پدری الحاق کرده‌اند. در مورد قصاص مادر فقهای جدید معترض این مسأله شده‌اند. در حقوق سایر کشورها نیز قوانینی به نام فرزندکشی وجود دارد که تخفیفاتی برای مادر قاتل پیش بینی کرده‌اند. اما برای پدر حکم به قصاص او نموده‌اند.

پیشینه قتل

نگاهی گذرا به تاریخ تمدن بشری نشان می‌دهد که در یونان قدیم برای پیشگیری از افزایش جمعیت و تجزیه فقر آور اراضی، شرع و عرف کشتن نوزادان را مباح می‌دانست و هر پدری که فرزند ضعیف یا ناقص به وجود می‌آورد یا او را از صلب خود نمی‌دانست در کشتن او مختار بود. فرزند بردگان به ندرت مجال زنده ماندن می‌یافتند. دختران را بیش از پسران می‌کشتند، زیرا که به هنگام شوی کردن باید جهیزیه‌ای با خود می‌بردند و پس از آن نیز از خدمتکاری خانه‌ای که در آن پرورش یافته‌اند به خدمتکاری خانه‌ای می‌رفتند که در پرورش وی دستی نداشته است و در این میان حقوقی که پدران در کشتن فرزندان خود داشتند طریقه خشنونت آمیزی برای اصلاح نژاد بود (دورانت، ۱۳۶۵: ۲۸۶). در روم قدیم و در الواح دوازده گانه که یکی از سختگیرانه‌ترین قانون‌نامه‌های تاریخ بشری به شمار می‌آید در مورد اقتدار بی چون و چرای پدر خانواده مقرراتی وضع شده بود. به طوری که روح قدرت پدران کهن، به پدر اجازه می‌داد تا هر یک از فرزندان را تازیانه بزند و به زنجیر بکشد و حبس کند و بفروشد یا بکشد (دورانت، ۱۳۶۵: ۲۵). در مصر وضعیت متفاوت بود به طوری که اگر پدری فرزندش را می‌کشت ناچار بایستی مطابق قانون سه شب و سه روز تمام بچه مرده را در آغوش خود نگاه می‌داشت (پاد، ۱۳۸۱: ۲۵).

در چین باستان و در زمان کنفوسیوس، پدران از قدرتی تقریباً مطلق برخوردار بودند و می‌توانستند همسران و کودکان خود را به عنوان برده بفروشند، اما این کار جز در مواردی که احتیاج خانواده به نهایت می‌رسید اتفاق نمی‌افتاد، همچنین پدران حق کشتن فرزندان خود را داشتند. در مواقع سختی، اگر دختری بر دختران متعدد خانواده افزوده می‌شد امکان داشت که نوزاد بی گناه را رها کنند تا در سرمای شب بمیرد یا خوراک گرازان طعمه طلب شود (دورانت، ۱۳۶۵: ۸۵۷) عمده دلائل فرزندکشی عبارت است از:

- بیماری روانی والدین یا یکی از آنها
- نامشروع بودن کودک و در نهایت کشتن وی به منظور مخفی نگاهداشتن یک رابطه آزاد و پنهانی توسط مادر
- درگیری‌های خانوادگی میان والدین که منجر به فرزندکشی می‌گردد
- فقر و نگرانی ناشی از آن نسبت به آینده کودکان/ فرزندفروشی نیز یکی از دیگر دلالتی است که با توجیه نمودن فقر صورت می‌گیرد
- ناقص الخلقه/ معیوب بودن کودک که نگهداری از وی برای والدین دشوار بوده و یا یأس و نومیدی از آینده چنین کودکی که قدر متیقن ریشه در عدم وجود حمایت‌های قانونی، دولتی و فقدان مؤسساتی که به منظور حمایت و کمک رسانی به این گروه از خانواده‌ها دارد
- تعصباتی که داشتن فرزند دختر را ننگ دانسته و منجر به دخترکشی می‌شود
- سوء ظن پدر نسبت به (نامشروع) بودن فرزندش
- جنون‌های آنی به واسطه فشارهای عصبی وارده بر والدین و در نهایت فرو ریختن آستانه تحمل و کشتن فرزند به دلالتی همچون نافرمانی، گریه بیش از حد کودک و یا بیش فعال بودن او (<http://blogfa.com>). به موجب اصل چهارم از قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد». از این لزوم بررسی مبانی فقهی در مورد هر یک از احکام قانونی، احساس می‌شود. از این رو در این پژوهش ابتدا به بررسی حکم مورد بحث در فقه اسلامی پرداخته و سعی شده است تا به صورت مجزا به بررسی این حکم از منظر فقهی و سپس حقوقی و جرم‌شناختی پرداخته شود و نظرات موافق و مخالف مورد بررسی قرار گیرد.

حکم فرزندکشی در فقه در مورد پدر

۱. موافقان

موافقان حکم قصاص فرزندکشی در میان فقهای اسلامی، مالکیان هستند که از موضع مخالف سخن گفته و پدر را به سبب قتل فرزند مستوجب قصاص نفس دانسته‌اند؛

با این توضیح که در مورد حکم قائل به تفصیل گردیده‌اند؛ به این شرح که اگر پدر کاری انجام دهد که مؤید اراده او در ارتکاب قتل عمد باشد، وی نیز همچون بقیه قصاص می‌شود و در غیر این صورت، خیر. در واقع آن‌ها قائل به مبانی عام قتل هستند و تفاوتی میان پدر و سایر افراد در قتل فرزند نمی‌گذارند. زیرا در صورتی که پدری به عمد و با فعل کشنده، فرزند خود را به قتل برساند، قتل عمدی مستوجب قصاص تلقی می‌گردد؛ در غیر این صورت، قتل عمدی، و به تبع مستوجب دیه است تنها مزیتی که در مذهب مالک درباره پدر در نظر گرفته شده است، این است که مهر و محبت پدری را اماره‌ای بر عدم قصد قتل در نظر گرفته‌اند. برای مثال اگر پدری فرزندش را با شمشیر به قتل برساند، از آنجا که در این حالت احتمال قصد قتل و عدم آن می‌رود و همچنین شفقت و مهربانی پدری، شبهه‌ای است که در مقام موجود بوده و شاهد بر عدم قصد قتل است. در نتیجه قصاص ساقط می‌شود؛ ولی اگر او را شکنجه کند، قصدش آشکار می‌گردد و به اصلش ملحق می‌شود.

۲. مخالفان

مخالفان حکم قصاص فرزندکشی شامل بسیاری از فقهای اسلامی می‌شود اعم از امامیه و عامه است. از قواعد مسلم نزد آن‌ها این است که پدر هیچ‌گاه به سبب قتل فرزندش کشته نمی‌شود و حتی ادعای اجماع در این باره نیز شده است. در «تحریر الوسیله» آمده است: «شرط سوم از شرایط قصاص در میان نبودن رابطه پدر و فرزندی است. بنابراین، هیچ پدری به جرم کشتن فرزندش کشته نمی‌شود» (امام خمینی، ج ۲: ۴۲۰). همانطور که ملاحظه می‌شود در بین فقها در مورد قصاص حکم فرزندکشی اختلاف نظر وجود دارد.

حکم فرزندکشی در فقه در مورد مادر

دلیل انتخاب مادر به عنوان موضوع این قسمت این است که تنها در همین مورد است که فقهای اسلامی نظر خود را بسط داده‌اند و دیگر نزدیکان را به حکم کلی قصاص واگذاشته‌اند.

۱. مخالفان حکم قصاص فرزندکشی

فقها در مورد مادری که فرزند خود را به قتل برساند دو نظر دارند؛ گروهی مادر را ملحق به لفظ والد، و قصاص را در مورد وی منتفی می‌دانند و گروه دیگری وی را مشمول اصول کلی قتل عمد، و مستحق قصاص می‌دانند. گروه اول معتقدند که بر مادر به سبب قتل فرزندش، قصاص واجب نمی‌شود. در این ارتباط از عمر بن الخطاب روایت شده است که پیامبر(ص) فرمود: پدر از فرزند قصاص نمی‌شود. در صورتی که این حکم در مورد پدر ثابت باشد، در مورد مادر نیز ثابت می‌شود؛ زیرا نقش او نیز در ولادت فرزند، همانند پدر است (موسوعه فقهی عبدالناصر، ج ۱: ۱۴۱). از میان فقهای معاصر آیت الله صانعی پس از پذیرش حکم کلی قصاص مادر در برابر قتل فرزند، بیان می‌دارد که در قصاص نشدن وجه قوی وجود دارد؛ به دلیل اینکه اولاً، خصوصیت ویژه‌ای (در مورد پدر) وجود ندارد و ثانیاً، به دلیل تنقیح مناط، چرا که ملاک در اینجا ولادت است و در این مورد پدر از خصوصیت ویژه‌ای برخوردار نیست پدر و مادر با هم مساوی‌اند. مشهور فقهای اهل سنت بر خلاف فقهای شیعه، مادر را نیز همچون پدر در صورت قتل فرزند معاف از مجازات می‌دانند که به عنوان نمونه به چند فتوا از فقهای ایشان اشاره می‌کنیم:

کاشانی: «شرط قصاص آن است که مقتول جزئی از قاتل نباشد بنابراین اگر پدر، فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و همینطور است اگر پدر پدر یا پدر مادر و بالاتر، نوه خود را بکشند یا مادر، فرزند خود را بکشد».

ابن قدامه: «شرط قصاص آن است که قاتل، پدر مقتول نباشد بنابراین اگر پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و پدر و مادر در این حکم با هم مساوی هستند».

فرغانی: «جد پدری و مادری و مادر و جد پدری و مادری از این جهت که در صورت قتل فرزند خود قصاص نمی‌شوند یکسان هستند چه درجه ایشان دور باشد چه نزدیک باشد». مهم‌ترین دلایلی که برای ممنوعیت قصاص مادری که فرزند خود را به قتل رسانده است می‌توان برشمرد، به شرح زیر می‌باشد:

۱. روایتی که پدر را از مجازات قصاص به خاطر قتل فرزند معاف می‌کند شامل قتل فرزند توسط مادر هم می‌شود زیرا در این روایت کلمه «آب» به کار رفته است و این کلمه هم در مورد مادر و هم در مورد پدر به کار می‌رود.

۲. آنچه که عامل بوجود آوردن چیزی است نمی‌تواند به واسطه معلول خود از بین برود و در اینجا پدر عامل به وجود آمدن فرزند است بنابراین فرزند نمی‌تواند عامل بوجود آوردن خود یعنی پدر را از بین ببرد و قصاص به خاطر قتل فرزند توسط پدر یکی از مصادیق از بین رفتن علت توسط معلول می‌باشد. این علت در مورد مادر هم کاملاً صدق می‌کند زیرا مادر نیز عامل بوجود آمدن فرزند است (<http://heidarolawfirm.com>).

۲. موافقان حکم قصاص فرزندکشی

در میان فقهای امامیه گروهی مادر را مشمول حکم کلی قصاص در قتل عمد می‌دانند، از جمله می‌توان به نظر *ابن‌الدربیس حلی* اشاره کرد که مادر را در صورت قتل فرزند مشمول حکم قصاص می‌داند. شهید *اول* نیز در «اللمعة الدمشقية» بیان می‌دارد: «...والد و هرچه بالاتر رود، به سبب قتل پسرش کشته نمی‌شود و باقی خویشاوندان به سبب قتل یکدیگر کشته می‌شوند، همانند فرزند به والدش و مادر به پسرش». در «تحریر الوسیله» نیز اینگونه آمده است که فرزند به سبب کشتن پدرش کشته می‌شود و همچنین مادر، هرچه که بالا رود، مثل مادر مادر و جد مادر به خاطر کشتن فرزند کشته می‌شود (امام خمینی، ج ۲: ۴۲۰). در این مبحث می‌توان اینگونه استدلال کرد که حکم کلی قتل عمد قصاص است؛ دلایلی هم ذکر شد که والد را از این حکم کلی استثناء کرد. کلمه «والد» ظهور در پدر دارد و فهمیدن معنای مادر از آن، یک معنای مجازی است. ما در عمل به استثنا باید به قدر متقین عمل کنیم و خروج موارد ظنی از حکم اصلی صحیح نیست. با توجه به اصالت الظهور، والد فقط پدر را شامل می‌شود و چنانکه گفته شد الحاق مادر به این حکم عملی بر اساس ظن است و ما مجاز به این کار نیستیم، لذا الحاق مادر به پدر صحیح نیست و اینکه عده بسیاری از فقهای امامیه در خصوص این عدم الحاق استدلالی بیان نکرده‌اند امری بدیهی است، چراکه اصل نیازی به اثبات ندارد و این خلاف اصل - یعنی الحاق مادر - است که باید اثبات شود (شریفی، ۱۳۹۵: ۲۳۰-۲۳۳). مهم‌ترین دلیل‌هایی که برای عدم معافیت مادر در صورت قتل فرزند برشمرده شده است به شرح زیر می‌باشد:

۱. مجازات قتل عمد، قصاص است (کتب علیکم القصاص - النفس بالنفس و...) و موارد معافیت از قصاص در منابع شرعی و قانونی تصریح شده است. پس اگر در موردی دلیل خاص برای استثنا کردن شخصی وجود نداشته باشد باید به حکم عام قصاص عمل کرد که در مورد مادر هم دلیل خاصی وجود ندارد و مشمول مقررات عمومی قصاص می‌باشد.

۲. روایات شرعی که پدر را استثنا کرده‌اند قابل تسری به مادر نمی‌باشند زیرا پاره‌ای از آن‌ها واژه «والد» را به کار برده‌اند و این واژه ظهور در پدر دارد مانند روایت /امام صادق(ع) که فرمود: «لا یقتل الأب بانه اذا قتله ویقتل الإبن بأبیه اذا قتل أباه»: پدر در صورتی که فرزندش را بکشد قصاص نمی‌شود اما فرزند اگر پدرش را بکشد قصاص می‌شود.

به فرض آنکه روایات مزبور ظهور در پدر نداشته باشد پاره‌ای روایات کلمه «رجل» را به کار برده‌اند که در ظهور آن در پدر، تردیدی نیست مانند روایت /امام صادق(ع) که فرمود: «لا یقتل الرجل بولده اذا قتله»: مردی اگر فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود. البته استناد به کلمه «رجل» برای تخصیص روایت به پدر چندان موجه نیست زیرا معمولاً در روایات، این واژه به کار می‌رود بدون اینکه نظر به جنس مذکر داشته باشد مانند اینکه می‌گوید، مرد باید نماز خود را شکسته بخواند اما معنایش آن نیست که زن نباید نماز خود را شکسته بخواند بلکه از باب تغلیب واژه مرد را به کار می‌برد.

۳. مرحوم شیخ طوسی، علاوه بر دو دلیل فوق، اجماع فقهای شیعه را نیز به عنوان مستند رأی ایشان بیان می‌کند.

فرزندکشی در قرآن

بی تردید همگان در برابر حیات انسان‌های دیگر مسئولیت دارند، اما با توجه به رواج پدیده شوم فرزندکشی در دوران جاهلیت، قرآن کریم پدر و مادر را به خصوص در این زمینه مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «ولا تقتلوا اولادکم خشية اطلاقن نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا» (اسراء/ ۳۱): و فرزندان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آن‌ها و شمار را روزی می‌دهیم، مسلماً قتل آن‌ها گناه بزرگی است. این آیه، حق حیات فرزندان را به رسمیت شناخته و والدین را از کشتن آنان به دلیل فقر و تنگدستی بر حذر داشته

است. برخی از مفسران معتقدند مقصود از فرزندکشی، همان «واد» یا زنده به گور کردن دختران است که در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۶۴). اما از ظاهر آیات برمی آید که اعراب دوره جاهلیت علاوه بر این رسم منحط، گاه فرزندان خود اعم از دختر و پسر را از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند (دهقان نژاد و بستان، ۱۳۹۶: ۴۸). بنابراین، با توجه به نقش مؤثر مادران در مسأله فرزندکشی در جاهلیت، قرآن کریم این موضوع را در مواد بیعت نامه زنان با پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه گنجانیده است. آمارهای تکان دهنده درباره سقط جنین عمدی (کورتاژ) در دوران معاصر نشان می‌دهد که جاهلیت مدرن در زمینه فرزندکشی، گوی سبقت را از جاهلیت قدیم ربوده است. شیوع سقط جنین عمدی در جوامع غربی، آن را به عنوان یکی از روش‌های رایج کنترل مولید و تنظیم خانواده برشمرده‌اند. این در حالی است که در فقه اسلام حتی حق حیات جنین به رسمیت شناخته شده و از این رو، سقط جنین از اولین مرحله تکون آن یعنی زمان انعقاد نطفه در رحم مادر حرام است و فقط در برخی از مواردی که ادامه حیات جنین، موجب خطر جانی برای مادر می‌شود سقط جنین با پرداخت دیه تجویز شده است (همان: ۴۹).

فرزندکشی از منظر حقوقی

به استناد ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق گردیده است: «کودک هر فرد انسانی زیر ۱۸ سال تمام...» که نیازمند حمایت‌های قانونی بوده و دولت‌ها باید تدابیری را اتخاذ نمایند تا به موجب آن‌ها، هرگونه خشونت علیه کودکان را محدود و با آن مبارزه نمایند. روشن و آشکارا است که فرزندکشی را باید یکی از جنبه‌های خشونت خانگی علیه کودکان دانست که عمدتاً توسط نزدیک‌ترین افراد به کودک مانند والدین یا پدربزرگ و مادربزرگ اعمال می‌گردد. به عنوان نمونه: به موجب آمار اعلام شده از ناحیه دانشگاه علوم بهزیستی در سال ۱۳۸۳، ۳۲ مورد فرزندکشی در کشور گزارش شده که از این تعداد ۱۶ کودک توسط پدر، پدربزرگ و یا ناپدری، ۱۳ کودک به وسیله مادر، مادربزرگ، نامادری و ۳ تن از آن‌ها توسط والدین به نحوی مشترک به قتل رسیده‌اند (http:

com .//blogfa). تأمل در ریشه فقهی معافیت، نشان می‌دهد که استثنای مذکور مطلق نبوده و در موارد خاص مانند قصد منجز قتل و یا قتل با سبق تصمیم می‌توان پدر را قصاص و یا در موارد فرزندکشی‌های حدودی یا حق الهی، مانند قتل فرزند در حال محاربه و ... وی را مستحق کیفر اعدام دانست. از نظر عدالت قضایی، فرزندکشی نه اینکه به ظاهر نباید موجب انتفاء قصاص گردد بلکه از دید و منظر دیگری باید پذیرفت که فرزند در پناه پدر و جد پدری است و مأمّن و تکیه‌گاه نمی‌تواند خود عامل قتل و از بین بردن امنیت باشد اگر از نظر فقه استدلال می‌شود که پدر سبب وجودی فرزند است چگونه پدر بتواند باعث قتل فرزند بشود؟

از منظر حقوقی، چگونه پذیرفتنی است که مسبب ایجاد امنیت یا کسی که باید امنیت را برای فرزند مهیا کند با سلب امنیت- آن هم مهم‌ترین بخش آن یعنی جان- از مجازات مشابه که برای دیگران قائل‌ایم مبرا نموده و او را آزاد نماییم؟ (پورحسینی، ۱۳۸۹). از دید دیگری اگر به دلیل ارتباط پدر و فرزند شدت محبت پدر از دلایلی باشد که به گفته مالک (عده: ۱۱۸-۱۱۹) نمی‌توان قتل فرزند را عمدی تلقی نمود بلکه شبه عمد است مگر خلاف آن ثابت شود چگونه است که همین شدت محبت نتواند دلیلی بر شدت مجازات در صورت ثبوت قتل عمد باشد چگونه محبت پدرانه تبدیل به سبوعیت قاتلان می‌شود و بر فرزندکشی مهر تأیید می‌زند؟

وقتی حسب نصوص صریح آیات قرآنی قصاص در مقابل قتل تشریح شده است ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ﴾ که اصل قصاص پذیرفته شده فرزند مظلومی که در کمال ناباوری به وسیله پدر یا جد پدری خود کشته می‌شود مصداق عینی آیه شریفه ﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا﴾ (اسراء/ ۳۳) می‌باشد و مظلوم‌تر از فرزند متکی به امنیت پدر- وقتی که کشته می‌شود- کیست؟

آیات ﴿وَلَا تَقْتُلُوا وِلَادَكُمْ خَشِيَةً اِمْلَاقِ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَاِيٰهَمْ﴾ (انعام/ ۱۵۱) و ﴿لَا تَقْتُلُوا وِلَادَكُمْ خَشِيَةً اِمْلَاقِ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَاِيٰهَمْ﴾ (اسراء/ ۳۱) را باید دیدگاه قوی قرآن در خصوص امنیت جانی فرزند دانست. فلذا بر این چراغ سبز قانونگذار مبنی بر فرزندکشی ایراداتی وارد است که در مبحث بعدی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

قصد منجز قتل در فرزندکشی

مراد از قصد منجز قتل، آن است که قاتل در قتل ارتكابی علاوه بر سوء نیت عام دارای سوء نیت خاص قطعی و بدون شبهه باشد. به عبارت دیگر در قاتل در سوء نیت خاص، قصد مرگ مقتول را داشته باشد و هیچ خللی را نتوان در این قصد مشاهده کرد. برخی از حقوق دانان به پیروی از متون فقهی (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۵۵۴) ارتكاب قتل با رفتار نوعاً کشنده را قصد مجرمانه تبعی می‌نامند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

قتل با سبق تصمیم

قتل‌های با سبق تصمیم به قتل‌هایی گفته می‌شود که قاتل «ابتدا به میل خود نقشه عملی را که می‌خواهد انجام دهد طرح کرده و وسایل و ابزار کار را فراهم کرده و سپس عملیات مجرمانه خود را برای حصول نتیجه اجرا کند. در این صورت چون وقوع جرم مسبوق به تصمیم قبلی مرتکب است، قصد مجرمانه او را «قصد مجرمانه قبلی» (ولیدی، ۱۳۷۲: ۲۹۷) یا قتل با سبق تصمیم می‌نامند. در مقررات فعلی نظام کیفری ایران، در مبحث تعزیرات با استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی اعمال کیفیات مشدده در جرم با سبق تصمیم و کیفیات مخففه در جرم بدون سبق تصمیم میسر است (ایزدی فر و نبی پور، ۱۳۹۰: ۱۳).

نقد ۳۰۱ و ۳۰۹ قانون مجازات اسلامی

در این قسمت نوبت به نقد و ارزیابی ابوت قاتل نسبت به مقتول در قتل عمدی که از موانع قانونی در خصوص تحقق و صدور حکم قصاص نفس می‌باشد می‌رسد. موضوع مزبور از جهاتی با برخی اصول حقوقی مغایر و از جهاتی نیز قابل دفاع می‌باشد که در ذیل به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱. مغایرت با اصل قانونی بودن مجازات

در انتقاد بر این ماده برخی از حقوقدانان بر آن‌اند که از آنجا که سیستم کنونی قضاوت، قانونی است و نه اجتهاد و با عنایت به این امر که قضاوت فعلی قضاوت مآذون و غیر مجتهد هستند و در حدود ادنی که به آن‌ها داده شده است بایستی عمل نمایند با

این وصف حکم کلی «تعزیر» به وجود شرط موکول گردیده و اینگونه آمده است که: «در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد» که اگر به تشخیص قاضی چنین شرطی موجود نباشد احتمال عدم استفاده از این ماده می‌رود.

این قانون فارغ از اینکه وابستگی مجازات قاتل به نظر بازماندگان مقتول تا چه حد عادلانه و منطقی است هنگامی به اوج عدالت خویش نزدیک‌تر می‌شود که بدانیم اگر والد (پدر و یا جد پدری) دست به قتل فرزند خود بزند چون ولی دم (در صورت نبودن غیر او) نیز هست و مجازاتش تا حدی منوط به خود اوست به هیچ وجه قصاص نخواهد شد و تنها چند سال زندانی می‌شود؛ پس پدران عزیز می‌توانند با آسودگی خیال فرزندان خویش را به قتل برسانند و اگر اکثراً هم چنین کاری را نمی‌کنند در واقع تنها از سر لطف و جوانمردی است.

به علاوه باید گفت که دیه نیز از جمله حقوق خصوصی بوده که در صورت گذشت ولی دم از پرداخت آن معاف می‌گردد؛ بنابراین بهتر است میزان تعزیر در این ماده با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مشخص گردد تا چنین احتمالی رخ ندهد و دستگاه عدالت را با مشکل مواجه نسازد. لازم به ذکر است در صورتی که پدر به عنوان ممسک، معاونت نماید مجازات وی حبس ابد می‌باشد. در حالی که با توجه به ماده ۶۱۲ ق.م.ا مجازات مباشرت ۳ تا ۱۰ سال حبس می‌باشد که در واقع به نوعی عدم تناسب بین جرم و مجازات را می‌رساند.

البته ممکن است به زعم برخی پیش‌بینی پرداخت دیه در مورد قتل فرزند که طبیعتاً خود پدر نمی‌تواند جزء ورثه باشد خود نوعی حکم به مجازات باشد. اما باید گفت این تصور تا زمانی درست است که سایر اولیاء دم دیه را چه به رضایت و یا به دلیل ترس از بقای زندگی خویش نبخشیده باشند.

۲. مغایرت با اصل تساوی مجازات

همانگونه که می‌دانید در حقوق موضوعه، کیفر در مقابل جرم است. تمام کسانی که مرتکب جرم می‌شوند در مقابل قانون مساوی هستند. رعایت اصل تساوی در شریعت اسلام مستلزم این است که هیچ فردی خاص و یا طبقه‌ای خاص نتواند در رعایت ارتکاب

جرم از کیفر بگریزد. شغل، مقام، نژاد، جنس و موادی از این قبیل نمی‌تواند وسیله‌ای جهت سوء استفاده و معافیت یا تخفیف از مجازات باشد. بنابراین کیفر هر زن و مردی صرف نظر از هر نوع امتیازی حتی ابوت بنا بر اصل مذکور مطابق با استحقاق وی تعیین می‌گردد. بنابراین موضوع فرزندکشی توسط پدر یا جد پدری نیز به نوعی با اصل تساوی مجازات در حقوق موضوعه مغایرت دارد برداشت کلی قتل فرزند به دست پدر و جد پدری‌اش به طور مطلق توسط فقها از روایات مختلف غیر منصفانه به نظر می‌رسد. زیرا اولاً شأن و منزلت انسان بسیار بالاتر از آن است که بدون چون و چرا و بدون هیچ دلیل موجهی به قتل برسد. ثانیاً هیچ انسان عاقلی در اموال خود تصرف نابخردانه نمی‌کند چه برسد به جان فرزندش. ثالثاً وضعیتی که پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در آن شرایط احادیثی را بیان فرمودند حاکی از آن است که ایشان در مقام بیان تکلیف بوده‌اند تا به فرزندان هشدار دهند که در صورت کجروی و سوء استفاده از حسن اخلاق و رفتار پدران و همچنین محبت و عطوفتی که از ناحیه پدر متوجه فرزند است در صورتی که با انجام اعمال و رفتارهایی که موجب بازی با حیثیت و آبروی خانوادگی شود و پا در مسیر انحراف بگذارند با چنین اختیاری از پدران مواجهه خواهند شد.

نتیجه بحث

با وجود سنگینی جرم قتل عمدی و به خصوص فرزندکشی از دیدگاه اسلام، فقهای امامیه به استناد روایاتی که در این زمینه وارد شده و از حیث سند صحیح و از نظر دلالت واضح و روشن است به طوری که هیچ یک از اصحاب نیز از آن اعراض نکرده و همگان به آن عمل کرده‌اند، و معتقدند که پدر به خاطر قتل فرزندش کشته نمی‌شود، لذا بر این اساس ایشان «انتفاء ابوت» را در قصاص معتبر دانسته‌اند و این امر از شهرت فتوایی برخوردار است. علاوه بر روایات وارده و شهرت فتوایی، برخی از فقها معتقدند به این دلیل که پدر علت فاعل و سبب ایجاد فرزند است بنابراین اگر پدر به خاطر قتل فرزندش قصاص شود، در این صورت سبب، موجب از بین رفتن مسبب می‌شود. از سوی دیگر بر اساس قول مشهور ایشان، در صورتی که مادر فرزندش را به قتل برساند قصاص می‌شود. آمار فرزندکشی در سیستم قضایی ایران نشان می‌دهد که تعزیر نتوانسته است

در برخورد با این عمل مجرمانه بازدارنده باشد. تأمل در اندیشه‌های فقهی نشان می‌دهد که این استثنا مطلق نبوده و در موارد خاص مانند قصد منجز قتل و یا با سبق تصمیم می‌توان پدر را قصاص و یا در موارد فرزندکشی‌های حدودی یا حق الهی، مانند قتل فرزند در حال محاربه و ... وی را مستحق کیفر اعدام دانست. عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند از قواعد مسلم و اجتناب‌ناپذیر فقه اسلام می‌باشد که مشهور فقهای امامیه و فقهای اهل سنت در مورد آن با یکدیگر اتفاق نظر دارند و مستند آن‌ها اقوال مذکور در روایات وارده از پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) می‌باشد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی اسلامی نیز در واقع با الهام از فقها چنین ماده‌ای را در خود جای داده است. این حکم با توجه به صدق عرفی و بنا به نظر مشهور شامل جد پدری نیز می‌شود ولی اگر ایشان عنوان محارب داشته و یا عادت به کشتن فرزند داشته باشد کشته می‌شوند. تفسیر مضیق قانون به نفع متهم اقتضا می‌کند که مادر نیز از مجازات معاف شود زیرا فقهای شیعه و سنی، پدر را از مجازات قصاص، معاف می‌دانند و در مورد مادر اختلاف نظر وجود دارد و حتی برخی از فقهای شیعه نیز همانگونه که دیدیم با فقهای اهل سنت همراه هستند بنابراین حداقل باید قصاص مادر به خاطر قتل فرزند را به عنوان یکی از مصادیق شبهه دانست که به حکم قاعده در، چنین مجازاتی را نمی‌توان اعمال کرد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی اسلامی نیز در واقع با الهام از فقها چنین ماده‌ای را در خود جای داده است. این حکم با توجه به صدق عرفی و بنا به نظر مشهور شامل جد پدری نیز می‌شود ولی اگر ایشان عنوان محارب داشته و یا عادت به کشتن فرزند داشته باشد کشته می‌شوند. حاصل بحث اینکه از نظر حقوقی قانون موجود ناکارآمد و گریزگاه قانونی مجرمان واقعی است و قابل توجیه نمی‌باشد. مجازات باید سبب تشفی خاطر مجنی‌علیه شده و همچنین باعث ارباب جانی گردد و دیگران را نیز از ارتکاب جرم بترساند یعنی قدرت بازدارندگی داشته باشد. به عقیده طرفداران مجازات قصاص نفس، این مجازات هم عادلانه بوده و هم پاسخگوی تخطی به نظام جامعه است و می‌تواند سدی محکم در قبال تجاوزات دیگران باشد و آن‌ها را از ارتکاب جرم یا تکرار آن دور سازد و به علاوه کیفر اعدام موجب تشفی زیان‌دیده از جرم و تسکین دردها و رنج‌های او خواهد بود. متأسفانه ماده قانونی جرم فرزندکشی نه‌تنها فاقد این اوصاف است بلکه مجرمین واقعی

در پناه قانون خواهند بود و هرگونه رفتاری را نسبت به فرزندان خود اعمال دارند و حتی آن‌ها را به قتل برسانند.

علی‌الظاهر جرم فرزندکشی بدون مجازات نیست و قاتل به پرداخت دیه و مجازات تعزیری حتی مجازات تتمیمی محکوم می‌گردد. این در حالی است که مقدار دیه هر قدر هم که سنگین باشد چاره‌ساز مشکل نخواهد بود. زیرا اگر قاتل تمکن مالی نداشته باشد این دیه عملاً به خاطر مناسبت‌های خانوادگی پرداخت نخواهد شد و اگر قاتل تمکن مالی داشته باشد با پرداخت دیه همچنان راه را برای ارتکاب قتل‌های دیگر باز خواهد دید از طرفی فرزندان ما سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و جامعه نیز متضرر از جرم فرزندکشی است. همچنین وجدان عمومی این را تحمل نمی‌کند و حساسیت مضاعفی نسبت به سایر قتل‌ها به آن نشان می‌دهد و شاید تیتراژ قتل فرزندکشی توسط پدرش در جرایم هرگز از اذهان پاک نشود، لذا به صلاح جامعه نخواهد بود که با قانونی کردن جرم فرزندکشی سرمایه‌های آینده خود را در معرض خطر مرگ و نقص عضو قرار دهد.

پیشنهادات

- اعدام پدر آثار نامطلوبی بر خانواده بر جای خواهد گذاشت؛ بنابراین تصویب قوانینی که پیشگیرانه‌تر باشد، در این زمینه توصیه می‌گردد. مانند قوانینی که «صلاحیت والدین» را در نگهداری کودک در صورت نخستین اقدام خشونت بار سلب کرده و موجب می‌گردد تا بتوان از فرزندان چنین والدینی، در جای امن‌تری نگهداری نموده و به طریق اولی از «بزه دیدگی» بیش‌تر آنان پیشگیری به عمل آورد.

- تصویب قوانینی که امکان سقط جنین کودکان ناقص الخلقه را تا پیش از زایمان فراهم نماید همچنین می‌تواند به عنوان قانونی پیش‌گیرنده از فرزندکشی تلقی گردد. هرچند که در سال ۱۳۸۴ حسب مصوبه مجلس، امکان سقط جنین‌های ناقص را تا پیش از چهارماهگی (دوران بارداری) فراهم آمد.

- تلاش و کوشش به منظور افزایش سلامت و بهداشت روانی مردم به طرق مقتضی و کوشش در جهت بهبود وضعیت معیشتی آنان نیز می‌تواند اقدام مؤثری برای پیشگیری از وقوع فرزندکشی باشد.

- تصویب قوانین بازدارنده و جرم انگاری خاص در خصوص فرزندکشی و ایضاً اجرای اصولی و درست و بدون تبعیض از ضروریات است تا بدین وسیله پدرانی که قصد کشتن فرزند خویش را دارند با ترس و واهمه از عواقب عمل ارتكابی خود از دست یازیدن به چنین عمل مجرمانه‌ای منصرف گردند.

- از نظر حقوقی قانون موجود ناکارآمد و گریزگاه قانونی مجرمان واقعی است و قابل توجیه نمی‌باشد. مجازات باید سبب تشفی خاطر مجنی علیه شده و همچنین باعث ارباب جانی گردد و دیگران را نیز از ارتكاب جرم بترساند یعنی قدرت بازدارندگی داشته باشد.

- از طرفی فرزندان ما سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و جامعه نیز متضرر از جرم فرزندکشی است. همچنین وجدان عمومی این را تحمل نمی‌کند و حساسیت مضاعفی نسبت به سایر قتل‌ها به آن نشان می‌دهد و شاید تیر قتل فرزند توسط پدرش در جرایم هرگز از اذهان پاک نشود، لذا به صلاح جامعه نخواهد بود که با قانونی کردن جرم فرزندکشی سرمایه‌های آینده خود را در معرض خطر مرگ و نقص عضو قرار دهد.

- همچنین قانونگذار می‌تواند قتل فرزند توسط پدر را مشروط نماید. بدین شکل که هر گاه فرزند مرتکب اعمالی شد که مخالف شئون و حیثیت خانوادگی باشد، پدر می‌تواند به هر نحوی که باشد وی را از اعمال مزبور منصرف سازد و اگر در این راه مرتکب قتل وی گردد قصاص نمی‌شود. مثلاً دختری که از خانه فرار نموده و برای پدر و حیثیت خانوادگی مشکل‌ساز می‌گردد و یا پسری که به عضویت باندهای قاچاق مواد مخدر و انسان و سایر موارد در آمده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

اصغری، شکر الله. ۱۳۷۲ش، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

امام خمینی، روح اله. ۱۳۶۶ش، تحریر الوسيله، چاپ دوم، ج ۲، تهران: دار العلم.

پاد، ابراهیم. ۱۳۸۱ش، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات رهام.

پور حسینی، محمد جواد. ۱۳۹۴ش، نگرشی تحلیلی بر فرزندکشی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

دورانت، ویل. ۱۳۶۵ش، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۲۲، تهران: سازمان انتشارات و آموزش.

زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: بی نا.

میرمحمدصادقی، حسین. ۱۳۸۶ش، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

ولیدی، محمد صالح. ۱۳۷۲ش، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: نشر داد.

سایتها

<http://www.blogfa.com>

<http://www.heidarolawfirm.com>

مقالات و پایان نامهها

ایزدی فر، علی اکبر و محمد نبی پور. ۱۳۹۰ش، «معافیت مطلق یا نسبی پدر و جد پدری از کیفر قتل در فرزندکشی عمدی (بررسی موارد جواز قتل پدر و جد پدری در فرزندکشی عمدی)»، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱-۲۱.

پورحسینی، محمد جواد. بی تا، «بررسی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۷۰)»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

جبار گلباغی ماسوله، علی. ۱۳۸۸ش، «بررسی فقهی نقش تفاوت جنسیت پدر و مادر در مجازات جرم فرزندکشی در فقه شیعه»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال پنجم، شماره ۱۶.

خاکی، حجت. ۱۳۹۱ش، «بررسی فقهی و حقوقی قتل عمدی طفل متولد از زنا توسط والدین طبیعی در فقه شیعه و عامه»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران مرکز، استاد راهنما: جواد موسوی زاده.

دهقان نژاد، رضا و حسین بستان نجفی. ۱۳۹۶ش، «حقوق و وظایف همسری و مادری زنان از دیدگاه قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۲۹-۵۸.

شریفی، محسن. ۱۳۹۵ش، «مبانی فقهی قتل فرزند و ضمانت اجرای آن»، فقه اهل بیت، سال ۱۹، شماره ۷۴.

صادق پور، محمد جعفر و حسن مؤذن زادگان و علی فاطمی نژاد. ۱۳۹۶ش، «تأملی در کیفر تکرار جرم فرزندکشی و اعتیاد به آن با تکیه بر ظرفیت‌های فقه امامیه»، فصلنامه علمی- پژوهشی، سال بیستم، شماره دوم.

قدسی، ابراهیم. ۱۳۸۹ش، «الحاق جد پدری و مادر به حکم معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند(مطالعه‌ای فقهی و حقوقی)»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۲، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۱.

قربانی نوشهر، فاطمه. ۱۳۸۷ش، «بررسی فقهی و حقوقی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلام با نگاهی به نظرات اهل سنت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مجید وزیری.

کارگر، نوروز. ۱۳۸۴ش، «بررسی فقهی- حقوقی و جرم شناختی فرزندکشی»، پایان نامه کارشناسی ارشد فوق جزا و جرم شناسی، استاد راهنما: دکتر حسین میر محمد صادقی.

محمد رضا موسوی فرد و سجاد مؤمنی و مهدی طحان. ۱۳۹۶ش، «بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی از دیدگاه فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی تربیتی علوم انسانی و روان شناسی.

مقدسی نیا، مهدی. ۱۳۹۶ش، «بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمود غفوری نژاد.

موسوی فرد، محمد رضا، سجاد مؤمنی و سعید خداکرمی و مهدی طحان و اسماعیل یوسفی. ۱۳۹۵ش، «بررسی فقهی حقوقی فرزندکشی از دیدگاه فقه امامیه و قانون مجازات»، اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روان شناسی.

Bibliography

The Holy Quran.

Asghari, Shokrallah. 1993, Islamic Penal System and Response to Doubts, Second Edition, Tehran: Keyhan Publishing Organization.

Imam Khomeini, Ruhollah. 1987, Tahrir al-Wasile, second edition, vol. 2, Tehran: Dar al-Alam.

Pad, Ibrahim. 2002, Exclusive Criminal Law, Vol. 1, First Edition, Tehran: Roham Publications.

- Poor Hosseini, Mohammad Javad 2005, *An Analytical Approach to Filicide in Criminal Law of the Islamic Republic of Iran*, Islamic Azad University, Khorramabad Branch.
- Durant, Will. 1986, *History of Civilization*, translated by Ahmad Aram et al., Vol. 22, Tehran: Publishing and Education Organization.
- Zamakhshari, Mahmoud 1407 AH, *Al-Kashef An Haghayegh Ghavames Al-Tanzil*, Beirut: Bina.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hussein 2007, *Crimes against persons*, first edition, Tehran: Mizan Publishing.
- Walidi, Mohammad Saleh 1993, *Public Criminal Law, Volume 2*, Tehran: Dad Publishing.

Sites

- <http://www.blogfa.com>
<http://www.heidarolawfirm.com>

Articles and dissertations

- Izadifar, Ali Akbar and Mohammad Nabipour. 2011, "Absolute or relative exemption of father and paternal grandfather from the punishment of murder in intentional filicide (Investigation of cases of murder of father and paternal grandfather in intentional filicide)", *Scientific-Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, Year 2, Number 3, pp. 1-21.
- Pourhosseini, Mohammad Javad. *Bitā*, "Study of Article 220 of the Islamic Penal Code (approved in 1991)", Islamic Azad University, Khorramabad Branch.
- Jabbar Golbaghi Masouleh, Ali. 2009, "Jurisprudential study of the role of parental gender differences in the punishment of filicide in Shiite jurisprudence", *Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Law*, Fifth Year, No. 16.
- Khaki, Hojjat. 2012, "Jurisprudential and Legal Study of Intentional Murder of a Child Born of Adultery by Natural Parents in Shiite and Public Jurisprudence", M.Sc. Thesis, Payame Noor University of Tehran, Supervisor: Javad Mousavizadeh.
- Dehghannejad, Reza and Hossein Bostan Najafi. 2017, "Women's rights and duties from the perspective of Qur'an", *Quarterly Journal of Qur'anic Studies*, 8th year, No. 32, pp. 29-58.
- Sharifi, Mohsen 2016, "Jurisprudential principles of child murder and guarantee of its implementation", *Ahl al-Bayt jurisprudence*, year 19, number 74.
- Sadeghpour, Mohammad Jafar and Hassan Moazenzadegan and Ali Fatemi Nejad. 2017, "Reflections on the Punishment of Repeating the Crime of Filicide and Addiction to It, Relying on the Capacities of Imami Jurisprudence", *Scientific-Research Quarterly*, 20th year, second issue.
- Ghods, Ibrahim. 2010, "Attachment of paternal and maternal ancestor by the sentence of exemption of the father from retaliation in the deliberate murder of the child (jurisprudential and legal studies)", *Studies of Islamic jurisprudence and law*, Volume 2, Number 2, pp. 95-121.
- Ghorbani Nowshahr, Fatemeh. 2008, "Jurisprudential and Legal Review of Article 220 of the Islamic Penal Code by Taking a Look at the Opinions of Sunnis", Master Thesis, Supervisor: Majid Vaziri.
- Kargar, Nowruz. 2005, "Jurisprudential-Legal and Criminological Study of Filicide", Master Thesis in Crime and Criminology, Supervisor: Dr. Hossein Mir Mohammad Sadeghi.

Mohammad Reza Mousavifard and Sajjad Momeni and Mehdi Tahan. 2017, "Jurisprudential and legal study of filicide from the perspective of Imami jurisprudence and the Islamic Penal Code", the first international conference on social sciences, education of humanities and psychology.

Moghaddasi Nia, Mehdi. 2017, "Jurisprudential and legal study of filicide", Master's thesis, Supervisor: Mahmoud Ghafouri Nejad.

Mousavifard, Mohammad Reza, Sajjad Mo'meni and Saeed Khodakarami and Mehdi Tahan and Ismail Yousefi. 2016, "Legal jurisprudence study of filicide from the perspective of Imami jurisprudence and the law of punishment", the first international conference on social sciences, education, humanities and psychology.



Jurisprudential and Legal study of Filicide by Taking a Look at Quranic Teachings

Ahmad Ahmadi

Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Mahabad Branch

Rashin Ziya

M.Sc. Student in Criminal and Criminology, Islamic Azad University, Mahabad Branch

Abstract

The main and first sentence of murder is retribution. One of the exceptions of this general principle is the murder of a child by father. This idea entered criminal law after the Islamic Revolution. From the point of view of most Islamic jurists, the sentence of a man who kills his son is reduced by a degree of discount from retaliation- which is the total sentence in murder emphasized in the Holy Qur'an- to the payment of blood money and ta'zir. In Islamic jurisprudence, several reasons have been mentioned for this sentence and narrations have been cited that have a great deal of validity in terms of principles. The view of Islamic jurists on this issue is different; Some of the jurists, who include the majority of the Imam's jurists, have agreed with the sentence of the exemption of the father, and have stated the base of their agreement on the two hadiths of the Infallible Imams (AS) and, of course, some rational reasons for the sentence. On the other hand, the opponents, citing the general sentence of retaliation in murder, consider the father and paternal grandfather as an example of the general sentence and sentence him to retaliation.

Keywords: Quran Jurisprudence Law Filicide.